

مهرداد محمدی دوست به سر آمد می گوید:

**برداشت میگوی پرورشی کشور از
مرز ۱۸ هزار تن گذشت**



یعقوب شیدایی گماسایی- مدیر کل دفتر امور میگو و آبزیان آب شور سازمان شیلات ایران، گفت: برداشت میگوی پرورشی در پنج استان ساحلی کشور از ابتدای فصل برداشت تاکنون به ۱۸ هزار و ۶۱۳ تن رسیده است؛ آماری که با تداوم برداشت از مزارع فعال و بر اساس پیش‌بینی‌های انجام‌شده، می‌تواند زمینه افزایش تولید این محصول آبزی پروری در سال ۱۴۰۵ را فراهم کند.

مهرداد محمدی دوست در گفت‌وگو با اقتصاد سرآمد با اعلام این خبر اظهار کرد: بر اساس آخرین آمارهای دریافت‌شده از استان‌های ساحلی، تاکنون ۱۸ هزار و ۶۱۳ تن میگوی پرورشی از مزارع پنج استان کشور برداشت شده است و عملیات برداشت همچنان ادامه دارد.

مدیر کل دفتر امور میگو و آبزیان آب شور سازمان شیلات ایران با اشاره به سهم استان‌های مختلف از میزان برداشت انجام‌شده افزود: استان بوشهر با برداشت پنج هزار و ۳۶۵ تن، بیشترین میزان برداشت میگوی پرورشی را به خود اختصاص داده است؛ پس از آن، هرمزگان با چهار هزار و ۲۱۵ تن و گلستان با چهار هزار و ۱۰۰ تن در رتبه‌های بعدی قرار دارند؛ همچنین تاکنون هزار و ۴۸۳ تن میگو از مزارع استان خوزستان برداشت شده است.

وی با اشاره به ادامه فعالیت مزارع پرورشی خاطر نشان کرد: برداشت میگو در پنج استان ساحلی کشور تا پایان پاییز همچنان ادامه خواهد داشت و با توجه به میزان برداشت ثبت‌شده تاکنون و مقایسه آن با مدت مشابه سال گذشته، پیش‌بینی می‌شود مجموع برداشت میگوی پرورشی کشور در سال ۱۴۰۵ افزایش یابد.

محمدی دوست درباره گستره فعالیت‌های پرورش میگو در کشور نیز گفت: در سال جاری ۸۱۸ مزرعه فعال پرورش میگو در استان‌های بوشهر، هرمزگان، گلستان، خوزستان و سیستان و بلوچستان فعالیت دارند و مجموع سطح زیر کشت اعلام‌شده برای این بخش به ۱۳ هزار و ۹۴۷ هکتار می‌رسد.

وی با تشریح پراکندگی مزارع فعال در استان‌های ساحلی کشور بیان کرد: بوشهر با ۲۷۲ مزرعه فعال، بیشترین تعداد مزارع پرورش میگو را در اختیار دارد. هرمزگان با ۲۶۵ مزرعه، گلستان با ۱۳۲ مزرعه، سیستان و بلوچستان با ۸۶ مزرعه و خوزستان با ۶۳ مزرعه در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند. این مقام مسئول در سازمان شیلات ایران در ادامه به سطح اراضی ساحلی زیر کشت میگو اشاره کرد و گفت: بر اساس آمارهای دریافت‌شده از استان‌های مربوطه، امسال در مجموع ۱۱ هزار و ۱۰۹ هکتار از اراضی ساحلی کشور زیر کشت میگو رفته است. به گفته وی، سهم استان هرمزگان از این سطح سه هزار و ۶۶۸ هکتار و سهم بوشهر سه هزار و یک هکتار بوده است. همچنین دو هزار و ۱۴۳ هکتار از اراضی استان گلستان، هزار و ۲۷۰ هکتار در سیستان و بلوچستان و هزار و ۲۷ هکتار در خوزستان به کشت میگو اختصاص یافته است.

«سر آمد» بررسی می‌کند؛

«ال نینو»

زنگ خطر اقلیمی جهان

«ال نینوی ۲۰۲۶» آزمون تاب‌آوری جهان در برابر نظم اقلیمی

برهم خورده



این کشور در آتش سوخته است؛ وسعتی نزدیک به شش برابر گستره لندن بزرگ و بیش از دو برابر مساحتی که در سال پیش و بدون تاثیر ال نینو سوخته بود. پیامد این آتش‌سوزی‌ها فراتر از خسارت زیست‌محیطی است: تعطیلی مدارس، افزایش بستری شدن در بیمارستان‌ها و قرار گرفتن میلیون‌ها نفر در سوماترا و کالیفرناتان در معرض دود سمی، به‌ویژه حدود ۱۷۵ هزار نفر را دچار بیماری‌های تنفسی کرده و بیش از ۴۰ هزار مورد مرتبط با کودکان خردسال را در پی داشته است. این ارقام نشان می‌دهد که ال نینو، پیش از آنکه یک رخداد اقلیمی صرف باشد، یک بحران بهداشت عمومی و امنیت انسانی است.

در سوسی دیگر اقیانوس آرام، ال نینو چهره خود را به شکلی متفاوت نشان می‌دهد. حوضه شرق اقیانوس آرام با فصلی بی‌سابقه از فعالیت توفان‌های حاره‌ای روبه‌رو شده است: ۲۲ توفان نام‌گذاری شده و ۱۲ توفان حاره‌ای، از جمله ۱۰ توفان بزرگ، تاکنون شکل گرفته‌اند؛ رقمی که از میانگین کل یک فصل عادی نیز فراتر رفته است، در حالی که هنوز دو ماه تا پایان فصل باقی است. گرمای آب اقیانوس و کاهش برش باد سطوح بالا، شرایطی را فراهم کرده که تقویت سریع توفان‌ها را ممکن می‌سازد. توفان پولو با وزش بادهایی تا ۲۸۵ کیلومتر بر ساعت نمونه‌ای از این شدت بی‌سابقه است و هم‌زمانی سه توفان حاره‌ای در یک حوضه، که پیش از این آخرین بار در سال ۲۰۱۵ رخ داده بود، نشانه‌ای از فشار سنگین گرما بر سامانه جوی است. در مقابل، حوضه اقیانوس اطلس به‌طور غیرمنتظره‌ای آرام مانده است، زیرا ال نینو با افزایش برش باد شمال اطلس، شرایط شکل‌گیری توفان را محدود می‌کند؛ تنها یک توفان حاره‌ای تاکنون به خشکی رسیده که دیرترین رخداد این‌گونه در دوران ماهواره‌ای محسوب می‌شود. این الگوی ناهمگون، خود گواهی است بر اینکه ال نینو نظم اقلیمی جهان را نه به‌صورت یکسان، بلکه از طریق بازتوزیع ریسک در پهنه‌های مختلف دگرگون می‌سازد.

هند، به‌عنوان یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای جهان و اقتصادی که بخش بزرگی از امنیت غذایی آن به بارش موسمی وابسته است، در معرض مستقیم پیامدهای ال نینو قرار دارد. بارش موسمی این کشور در سال ۲۰۲۶ حدود ۱۳ درصد کمتر از میانگین بوده است؛ کاهشی که اگرچه در نگاه نخست آماری اندک به نظر می‌رسد، در مقیاس کشاورزی معیشتی و تأمین آب شهری معنایی عمیقاً مخاطره‌آمیز دارد. کاهش بارش موسمی، ذخایر آب زیرزمینی را تحت فشار قرار می‌دهد، کاشت محصولات آب‌بر را تا درید مواجه می‌سازد و زنجیرهای

از اثرات جانبی را بر قیمت مواد غذایی و ثبات اجتماعی مناطق روستایی تحمیل می‌کند. هم‌زمان، ایالات متحده آمریکا ترکیبی از مخاطرات متضاد را تجربه می‌کند: از یک سو، افزایش مرگ‌ومیر ناشی از گرما در شمار بالایی از ایالت‌ها و از سوی دیگر، تغییر الگوی بارش که خطر سیلاب و رانش زمین را در مناطقی و خشکسالی کشاورزی را در مناطقی دیگر افزایش می‌دهد. این هم‌زمانی خشکسالی و سیلاب در یک سرزمین، ویژگی پارادوکسیکال ال نینو را آشکار می‌کند: این پدیده نه صرفاً خشکی یا ترسالی، بلکه بی‌نظمی شدید در توزیع زمانی و مکانی آب را تحمیل می‌کند.

دامنه این بی‌نظمی، به‌سرع‌ت از حوزه هواشناسی فراتر می‌رود و به کالبد اقتصاد جهانی نفوذ می‌کند. برآوردهای نهادهای پژوهشی اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که اقتصاد جهان در چرخه کامل این رخداد با زیان تجمعی سه تا هفت تریلیون دلار مواجه است؛ رقمی که معادل بخش قابل‌توجهی از تولید ناخالص داخلی جهانی است. این زیان، صرفاً از میان رفتن محصولات کشاورزی نیست، بلکه از مسیر افزایش قیمت کالاهای غذایی، اختلال در زنجیره‌های تأمین، فشار تورمی و بازنگری ناگزیر در پیش‌بینی‌های مالی دولت‌ها و بنگاه‌ها عبور می‌کند. در سال‌های ال نینویی گذشته، میانگین جهانی عملکرد ذرت ۲/۳ درصد و گندم ۱/۴ درصد کاهش یافته است؛ اما این میانگین‌ها تفاوت‌های بزرگ منطقه‌ای را پنهان می‌کنند و در کشور‌های آسیب‌پذیر آفریقا و آسیای جنوبی، افت عملکرد می‌تواند به مراتب سنگین‌تر باشد. هم‌زمان، گزارش‌های نهادهای بشردوستانه از تشدید ناامنی غذایی حاد در غرب آفریقا و ساحل خبر می‌دهند و خطر بازگشت خشکسالی به جنوب آفریقا را در فصل بارانی ۲۰۲۶ و ۲۰۲۷ هشدار می‌دهند. در چنین بستری، ال نینو به عاملی تشدیدکننده برای تنش‌های ژئوپلیتیک و امنیتی بدل می‌شود، زیرا کیمیای منابع آب و غذا، زمینه‌های رقابت، مهاجرت و بی‌ثباتی را تقویت می‌کند.

در این میان، ایران در موقعیتی قرار دارد که هم می‌تواند از پیامدهای مثبت نسبی ال نینو بهره‌مند شود و هم در معرض مخاطرات جدی آن قرار گیرد. یافته‌های پژوهشی داخلی نشان می‌دهد که حداکثر نینو ۲/۴ در ژوئن ۲۰۲۶ به حدود ۱/۵۵ درجه و در اواسط ژوئیه به حدود ۲/۱ درجه سانتی‌گراد رسیده و کشور را در محدوده ال نینوی بسیار قوی قرار داده است. در چنین شرایطی، احتمال بارش نرمال تا بیش از نرمال در بخش‌های قابل‌توجهی از کشور، به‌ویژه در غرب و جنوب‌غرب و دامنه‌های زاگرس، افزایش می‌یابد و در برخی پیش‌بینی‌ها انومالی بارش پاییزی در این مناطق تا ۳۰ تا ۴۰ میلی‌متر فراتر از نرمال و احتمال شرایط بالاتر از نرمال حدود ۷۰ درصد برآورد شده است. این بارش‌ها، در صورت مدیریت صحیح، می‌توانند فرصتی برای تقویت ذخایر آب سطحی، بهبود ورودی سدها و کاهش موقت فشار بر سامانه‌های تأمین آب شهری فراهم آورند. با این حال، پژوهشگران منابع آب تأکید می‌کنند که ال نینو به معنای قطعی ترسالی نیست؛ در دوره‌های گذشته نیز سال‌هایی ثبت شده که هم‌زمان با ال نینو، بارش کشور کمتر از نرمال بوده است. افزون بر این، حتی در سناریوی بارش بیش از نرمال، اگر بارش‌ها در قالب چند سامانه شدید و متمرکز رخ دهند، می‌توانند به‌جای تغذیه مؤثر آبخوان‌ها، رواناب ویرانگر و خطر سیلاب را افزایش دهند. بنابراین، چالش اصلی ایران نه صرفاً در پیش‌بینی مقدار بارش، بلکه در مدیریت هوشمندانه توزیع زمانی و مکانی آن و آمادگی زیرساختی برای مهار سیلاب‌های ناگهانی نهفته است.

جمع‌بندی این تصویر چندلایه، به یک نتیجه‌گیری روشن می‌رسد: ال نینوی ۲۰۲۶ یک رخداد اقلیمی منفرد نیست، بلکه آزمونی فراگیر برای تاب‌آوری سامانه‌های غذایی، آبی، بهداشتی و اقتصادی جهان است. ثبت رکورد دمای سطح اقیانوس آرام، آتش‌سوزی‌های ویرانگر در اندونزی، توفان‌های زنجیره‌ای در شرق اقیانوس آرام، خشکسالی موسمی در هند و ناهمگونی شدید بارش در ایران و آمریکا، همگی نشانه‌هایی از یک الگوی واحدند: نظم اقلیمی پیش‌بین دیگر به‌عنوان یک مرجع پایدار برای برنامه‌ریزی قابل اتکا نیست. در چنین وضعیتی، راهبرد عقلانی نه انکار رخداد و نه تسلیم در برابر آن، بلکه پذیرش علمی واقعیت، سرمایه‌گذاری در سامانه‌های هشدار پیش‌هنگام، بازطراحی زیرساخت‌های آب و کشاورزی بر پایه سناریوهای چندگانه و تقویت همکاری منطقه‌ای و بین‌المللی برای مدیریت پیامدهای مشترک است. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که هزینه‌انفعال، همواره بسیار سنگین‌تر از هزینه‌انذارگمی است؛ و ال نینوی کنونی، پیش از آنکه یک تهدید قطعی باشد، فرصتی است برای اثبات اینکه جوامع انسانی می‌توانند با تکیه بر دانش واراده جمعی، از دل بی‌نظمی اقلیمی، نظم‌ی نوین و پایدارتر بیرون آورند.